

نمادپردازی در شعر شاعران و هنرمندان معاصر

(مطالعه موردی: عناصر طبیعی و حیوانات در اشعار نیما یوشیج و سهراب سپهری)

چکیده

هدف از انجام این مطالعه بررسی نمادپردازی در شعر شاعران معاصر نیما یوشیج و سهراب سپهری می‌باشد. روش انجام در این مطالعه به روش بر پایه پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی - تطبیقی است. نتایج این مطالعه نشان داد که نمادپردازی در ادبیات و هنر معاصر با ادبیات سنتی و کهن تفاوت دارد. همچنین نمادپردازی در شعر نیما ویژگی‌های خاصی دارد؛ به گونه‌ای که از دیدگاه نیما هر پدیده‌ای در طبیعت می‌تواند موضوعی باشد برای نمادپردازی؛ از این‌روست که او برای نمادهای شعری خود هرگز دور نمی‌رود. جنگل، درختان، گل‌ها و گیاهان و... همه در ردیف مضمون‌های شعر او قرار می‌گیرند. نمادپردازی در اشعار سهراب سپهری نیز ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست؛ به گونه‌ای که نمادپردازی سهراب سپهری با توجه به سیروسلوک درونی و برداشتهای وی از دنیای بیرون است. به عبارت دیگر، بهره‌مندی وی از نماد پنجره‌ای به دنیای ناشناخته‌هاست. همچنین مشاهده شد که نمادپردازی در شعر نیما و سهراب سپهری تفاوت و تشابهاتی را با هم دارند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نمادها در نظام فکری و شعری سهراب سپهری.

۲. بررسی نمادها در نظام فکری و شعری نیما.

سؤالات پژوهش:

۱. نمادها در نظام فکری و شعری سهراب سپهری چگونه است؟

۲. نمادها در نظام فکری و شعری نیما چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: نمادپردازی، نیما یوشیج، سهراب سپهری، عناصر طبیعی، حیوانات.

مقدمه

دوران معاصر به‌ویژه از زمان انقلاب مشروطه، به‌دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و آشنایی بیشتر شاعران و نویسندگان ادبیات غرب، شاعران معاصر را بر آن داشت تا از نمادهای قراردادی و سنتی قدیم به نمادهای خصوصی و شخصی روی آوردن و با ابتکار و نوآوری در زبان و در بینش و نگرش شعریشان تغییر ایجاد نمایند تا تأثیر بیشتری در مخاطب داشته باشند. از آنجاکه نماد در زبان شعر تحت‌تأثیر بینش و نگرش شاعر است؛ از این‌رو نمادها مبهم و با دلالت‌های معنایی گوناگون و رمزگونه می‌باشد و نمی‌توان تأویل و معنایی قطعی از زبان و شعر نمادین داشت. از طرفی، در شعر نمادین، مخاطب می‌تواند در هر حس و حالی یک درک و تأویل متناسب از آن داشته باشد. «رمز چیزی است از جهان شناخته شده و قابل‌دریافت و تجربه از طریق حواس که به چیزی از جهان ناشناخته و غیرمحسوس یا به مفهومی جزء مفهوم مستقیم و متعارف خود اشاره می‌کند؛ به شرط آنکه این اشاره مبتنی بر قرارداد نباشد و آن مفهوم نیز یگانه مفهوم قطعی و مسلم آن تلقی نگردد؛ بنابراین، می‌توان رمز را نشان‌های پیدا از واقعیتی ناپیدا شمرد» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۲۲)

نماد در معنای عام، بازنمایی ادبی یا هنری، صفتی یا وضعیتی با وساطت یک نشانه می‌باشد (جعفد: خردمندی) و در معنای خاص، تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی از طریق تبدیل مشخصات پویای آن موضوع به صفات ویژه شکل، رنگ و حرکت می‌باشد (پاکباز، ۱۳۹۰: ۶۰۴). «سمبل چیزی است که معنای خود را بدهد و جانشین چیز دیگری نیز بشود یا چیز دیگری را القا کند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۷۴). نماد از دو بخش تشکیل شده است بخشی که شامل معنا یا مفهوم دلالتی آنست و همواره پنهان است، و بخشی که صورت و شکل آنست ظاهر و آشکار؛ یا به‌عبارت دیگر، «سمبل چیزی است که نماینده چیز دیگری است یا چیزی که بر چیز دیگر اشاره دارد، به علت همبستگی، ارتباط، قرارداد یا به‌طور اتفاقی اما نه از طریق شباهت عمدی؛ به‌ویژه علامتی مرئی برای چیزی غیرمرئی از قبیل یک مفهوم یا یک آیین» (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۵). کارل گوستاو یونگ، روانشناس معروف و بنیانگذار مکتب روانشناسی تحلیلی، نماد را این‌گونه تعریف می‌کند: «آنچه ما نمادش می‌نامیم یک اصطلاح است. یک نام یا نمایه‌ای که افزون بر معنای قراردادی و آشکار روزمره خود، دارای معانی متناقضی نیز باشد. نماد شامل چیزی گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست» «یک کلمه یا یک نمایه هنگامی نمادین می‌شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه خود داشته باشد» (یونگ، ۱۳۹۱: ۱۶).

شعر نوعی هنرست، هنری که تصویرپردازی یکی از عناصر اصلی و قدرتمند آن محسوب می‌شود. «نمادگرایی تعبیری از هنر است که بر نماد استوار شده است. نمادها در همه عملکردهای فرهنگی بشر از جمله دین، شعر، هنر، اسطوره، قیاس‌های فلسفی، علم و... وجود دارند» (اویس، ۱۹۹۹: ۱۰۴). نماد یک اصطلاح، نام یا حتی تصویری است که در زندگی روزانه شناخته شده است، اما علاوه بر معنای متداول، روشن و بی‌واسطه دارای معنی ضمنی ویژه‌ای است که به آنچه برای ما مبهم، ناشناخته یا پنهان است، اشاره می‌کند (یونگ، ۱۹۷۸: ۳). نمادگرایی یکی از جریان‌های مهم شعر نیمایی است که شاعران و هنرمندان معاصر هرکدام به نسبتی در این جریان شعری سهمی دارند. بررسی جریان نمادگرایی در شعر نیمایی حاکی از آن است که نگرش و جهان‌بینی شاعر و زمینه اصلی اشعار او در تحلیل و تأویل نمادها نقش محوری دارد. هر شاعری متناسب با علائق، افکار و ارزش‌های خود، لحن و فضایی را ترسیم می‌کند که بار معنایی نمادها نیز به این ساختار بستگی دارد (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۹). نیما یوشیج بنیان‌گذار و نماینده واقعی این جریان شعری است و شعر «ققنوس او نخستین تجربه از این دست در شعر معاصر است. پس از نیما باید از شاعرانی

چون شاملو، اخوان، فروغ، کسرائی، شاهرودی، آتشی، آزاد، خویی و شفیع کدکنی و سهراب سپهری یاد کرد (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۷).

در مورد یکی از دلایل عمده گرایش نیما به نماد و نمادپردازی می‌توان گفت: از آنجایی که نیما با زبان فرانسوی آشنایی داشت و مکتب سمبولیسم فرانسوی هم رواج پیدا کرده بود، نیما با الگوبرداری از همین شیوه، تجربیات خود را در باب نمادگرایی شروع کرد. تأثیرپذیری نیما از سمبولیست‌ها بیشتر از باب شکل و شیوه نمادپردازی بود تا مضمون و محتوی (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۸). او محتوی و مضمون اشعارش را از فرهنگ و اوضاع اجتماعی سیاسی عصر خود گرفت و با پرداخت و پردازش آن‌ها در قالبی نمادین، به‌صورت جذاب و ماندگار این مضامین را ارائه داد.

بیان نمادین در شعر سهراب تا حدودی با نیما، شاملو و اخوان متفاوت است. او اگرچه در شکستن وزن و قافیه شعر سنتی پیرو نیماست، اما به لحاظ شکل ذهنی شعر و پیام، راهش از نیما کاملاً جدا می‌گردد. شعر سپهری در بسیاری مواقع تجربیدی، فلسفی و غنایی است. عرفان اسلامی، فرهنگ هند و چین باستان، دنیای جدیدی بر وی گشود و شعرش را کاملاً سوررئالیستی کرده است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۵). شعر سپهری کم‌تر اجتماعی و بیشتر تجربیدی، فلسفی و غنایی است. عدم‌پایبندی سهراب به جریانات خاص سیاسی، شعر او را به سمبولیست‌ها بیشتر نزدیک می‌کند؛ چراکه آنان نیز هنر متعهد را بر نمی‌تابند. بلکه دنیای فراواقعی ذهن خویش را به تصویر می‌کشیدند. یکی از اصول نمادپردازی‌ها ابهام است. در شعر سهراب نیز ابهام به‌وفور دیده می‌شود. آنچه مسلم است، بسیاری از واژه‌های کلیدی اشعار سهراب سپهری دارای بافت سمبلیک است و بدون در نظر گرفتن معنای نمادین آن‌ها، شعرهای او قابل فهم نیست. سیب، کبوتر، نیلوفر و گل سرخ نمادهای معروف تری هستند. گویی سپهری به این چهار سمبل توجه بیشتری کرده است (شریفیان، ۱۳۹۰: ۱۵).

نمادگرایی یا مکتب سمبولیسم، شیوه‌ای بود که در برابر اثبات‌گرایی به‌وجود آمده و قد برافراشته است (کزازی، ۱۳۷۶: ۲۵۷). در این مکتب، شاعر، کوششی برای رخنه در فراسوی جهان تصورات دارد، این تصورات به مفهوم ایده افلاطون، یعنی جهان فراطبیعی کاملی است که انسان آرزوی رهایی به آن را دارد (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۴). محققین در رابطه با نمادپردازی مطالعاتی داشته‌اند که می‌توان به مواردی چند اشاره نمود: شریفیان، (۱۳۹۰) در پژوهش خود پیرامون نماد در اشعار سهراب سپهری این‌گونه بیان کرد که نماد یکی از آرایه‌های ادبی است. ویژگی بارز نماد، ابهام، عدم‌صراحت، غیرمشروح و غیرمستقیم بودن آن است. آنچه مسلم است نمادهای اشعار سهراب برگرفته از عقاید و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی و اجتماعی اوست. او از فرهنگ‌های مختلف ایران اسلامی هند، چین باستان و مسیحیت تأثیر پذیرفته است. در عین حال، شعر او از یک جوشش درونی و سلوک شخصی خبر می‌دهد.

لطفی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود پیرامون نمادشناسی حیوانات در شعر معاصر فارسی با تکیه بر آثار (نیما یوشیج، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، منوچهر آتشی و محمدرضا شفیع کدکنی) اعلام کردند که از مقایسه اشعار پنج شاعر موردنظر می‌توان به تأثیر اندیشه آنان در ایجاد تصاویر نمادین پی برد. با وجود اشتراکاتی که در نمادهای این شاعران وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز در دیدگاه و اندیشه آنان به چشم می‌خورد که شعرشان را از یکدیگر متمایز کرده و به هر کدام تشخیص و ویژگی خاصی بخشیده است. معرف و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان نماد و خاستگاه آن در شعر نیما یوشیج بیان کردند سرچشمه اصلی نمادهای وی نخست طبیعت و جلوه‌های گوناگون آن است که شامل عنصر زمان، مکان، برخی عناصر اربعه، پرندگان، جانوران، جنگل و درختان و... است و

سپس نمادهای انسانی که اغلب به شخصیت‌های بومی و مردم منطقه زندگی نیما مربوط می‌شود. از شخصیت‌های ملی و حماسی نظیر رستم و اسفندیار و افراسیاب و... و نیز از شخصیت‌های اسلامی نظیر پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع) و دیگر پیشوایان دین در شعر او به‌عنوان نماد نشانی نیست. صمدپور و بصیری (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با عنوان مقایسه نمادپردازی طبیعت در اشعار سهراب سپهری و غاده السمان بیان کردند که دیدگاه سپهری به نمادهای طبیعت بیشتر عرفانی و فلسفی است؛ درحالی‌که دیدگاه غاده السمان بیشتر عشقی و سیاسی و اجتماعی است.

امید علی، (۱۳۹۵) در پژوهش خود پیرامون تحلیل نمادپردازی در شعر نیمایی (مطالعه موردی اشعار پنج شاعر) این‌گونه به مطالعه پرداختند که نمادها دریافت شعر نیمایی به سه صورت خرده‌نمادها، کلان‌نمادها و نماد ارگانیک دیده می‌شود که از این سه نوع، نماد ارگانیک یا ساختارساز مختص شعر نیمایی می‌باشد که در شکل‌گیری آن کلیه عناصر روساختی و زیرساختی شعر به‌هم پیوسته‌اند و برای پی بردن به آن، باید نقش و جایگاه تمام عناصر و تصاویر شعری در ساختار کلی بررسی کرد. در بین شاعران مورد بحث در مطالعه آنان، نماد ساختارساز در اشعار نیما بسامد بالاتری دارد. از آنجاکه شناخت معانی نمادها از راه تعریف میسر نیست، باید نمادها را در متن و ساختار شعر تأویل کرد. شهود، نماد و شعر سهراب سپهری (۱۳۸۹) عنوان مقاله دیگری است که دکتر ناصر علیزاده و عباس باقی‌نژاد نگاشته‌اند با بیان اینکه سهراب سپهری یگانه شاعر نوپردازی است که در روزگار ما، دنیای ذهن، اندیشه و شعر خویش را با تفکری عرفانی آمیزش داده و موجودیت هنر خود را از هر نظر بدان وابسته نموده است؛ ذهن، اندیشه و هنر سهراب سپهری با تفکر عرفانی، آمیزشی تنگاتنگ یافته است. سپهری به‌دلیل داشتن احوال، ذهنیت و دریافت‌هایی غریب، ناگزیر از رویکرد به زبانی نامتعارف و سمبولیسمی ویژه و مبتنی بر نگرش شهودی بوده است. او شاعری با نگرش و کلام نامتعارف است که شعرش در مسیر عادت‌زدایی‌های معنایی، تصویری و زبانی حرکت نموده و امکان دیگرگونه دیدن و اندیشیدن را برای خواننده فراهم می‌کند.

از آنجاکه موارد کاربرد نماد وابسته به احساسات و انگیزه‌ها، عقاید و دغدغه‌های شاعر است و شعر بازتاب آن‌هاست؛ از این‌رو برای درک و شناخت هرچه بهتر اندیشه و هنر یک شاعر هنرمند ضروری است به بسامد استفاده او از نمادها و واژگان مورد استفاده‌اش توجه وافر نماییم، چراکه این امر نشان می‌دهد که او دل مشغول چه مسائلی بوده و برای انتقال مفاهیم و مسائل مورد نظرش از چه نمادهایی بهره جسته است. و نیز توجه به پیشینه فرهنگی آن نمادها ما را با طرز فکر و اندیشه فرهنگی او نزدیک می‌گرداند. به همین دلیل وقتی می‌خواهیم اندیشه و فکر یک شاعر را بشناسیم و بدانیم که چرا و چگونه به مسائل مورد نظرش پرداخته است. با توجه به مطالب گفته شده در بالا و اینکه تا به حال دیگر پژوهشگران به بررسی نمادپردازی در شعر نیما و سهراب سپهری پرداخته‌اند. لذا بررسی این مهم ضروری به‌نظر می‌رسد و در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال کلی هستیم که نمادپردازی در شعر نیما و سهراب سپهری به چه صورت‌هایی در اشعار به‌کار رفته است؟ روش پژوهش در این مطالعه به روش برپایه پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی - تطبیقی است.

نتیجه‌گیری

پس از مطالعات در این حوزه نتایج بدین شرح است که نیما یکی از علل بهره‌گیری از نماد را در هنری بودن آن می‌داند. انسان نسبت به آثار هنری یا اشعاری بیشتر علاقه‌مندی نشان می‌دهد که جهانی از آن مبهم و تاریک و قابل

شرح و تأویل‌های متفاوت باشد. نیما در نمادپردازی، گزینش واژه‌ها و نحوه کاربرد آن‌ها به عامل محیط و عقاید در ارتباط است. نیما در اشعار خود به جنگل و پرندگان، کوه، دریا اشارات زیادی دارد. از این‌رو، وی طبیعت و آنچه پیرامون اوست در آثارش جایگاه ویژه‌ای دارد. نیما با به‌کارگیری عناصر و پدیده‌های طبیعی می‌کوشد تا به مفهوم نامحسوسی که در ذهن دارد، تجسم بخشد و آن را محسوس و قابل درک سازد. در اشعار نیما پدیده‌های طبیعت، جنبش دریا، خروش آب‌ها، پرتو مهتاب، ریزش باران، سکوت دره‌ها و آواز مرغان، گویی هرکدام با او رازی در میان می‌گذارند و او آن‌ها با اوضاع و احوال زمانه درهم می‌آمیزد و این یعنی انس با طبیعت و همدلی با آن که یکی از ویژگی‌های مهم و خاص شعر نیماست. از دیدگاه نیما هر پدیده‌ای در طبیعت می‌تواند موضوعی باشد برای نمادپردازی از این‌روست که او برای نمادهای شعری خود هرگز دور نمی‌رود. جنگل، درختان، گل‌ها و گیاهان و... همه در ردیف مضمون‌های شعر او قرار می‌گیرند.

سهراب سپهری شاعر، نقاش معاصر که در شاعری سبکی را به خود اختصاص داده مانند شاعران هم‌عصرش جوش و خروش دارد اما بیانش نرم و ساده و صمیمی و پیچیدگی در آن نیست، سخنش سهل و آسان و درعین حال جذاب و گیرا که مخاطب را به دنبال خود می‌کشد. بهرمندی سهراب از طبیعت با کلامی ساده و به‌دور از هر پیچیدگی در اشعارش به وفور دیده می‌شود. برخی از این نمادها همچون «آب»، «روشنی»، «سیب»، «نیلوفر»، «شقایق»، در شعر او نقشی برجسته و کلیدی دارند و می‌توان گفت نمادهای تکرارشونده و یا به عبارتی دیگر بن‌مایه و موتیف در شعرش گردیدند. «از مضامین مشترک شعر سپهری که عمده‌تر از مضامین دیگر است، می‌توان گل، آب و روشنی را نام برد. سهراب سپهری یگانه شاعر نوپردازی است که در این روزگار اندیشه و شعر خویش را با تفکرات عرفانی گره زده و سبکی متفاوت و متمایز از دیگران با مکتب سمبولیسم که خاص خود اوست. نمادپردازی سهراب سپهری باتوجه‌به سیر و سلوک درونی و برداشت‌های وی از دنیای بیرون است. به عبارت دیگر، بهره‌مندی وی از نماد پنجره‌ای به دنیای ناشناخته‌هاست.

منابع و مآخذ:

اردلانی، شمس‌الحاجیه. (۱۳۷۶). «ساختار شعری و تحلیل اندیشه‌های سهراب سپهری». پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.

اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۱). صدای حیرت‌بیدار. گفت‌وگو زیر نظر مرتضی کاخی، تهران: زمستان. امیدعلی، حجت‌الله. (۱۳۹۵). «تحلیل نمادپردازی در شعر نیمایی (مطالعه موردی اشعار پنج شاعر)». نشریه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۷، شماره ۳۰، ۱۲.

باقی‌نژاد، عباس؛ علیزاده، ناصر. (۱۳۸۹). «شهود، نماد و شعر سهراب سپهری». مجله بوستان ادب دوره ۲، شماره ۳.

براهنی، رضا. (۱۳۷۱). طلا در مس، در شعر و شاعری. جاول. تهران: نویسنده.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۷). خانه‌ام ابريست. تهران: سروش.

----- (۱۳۷۵). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۱). «بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر». مجله ادبیات پارسی معاصر، شماره ۱، ۲.

جلالی، بهروز. (۱۳۷۶). جاودانه زیستن در اوج ماندن. تهران: مروارید.

- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۳). داستان دگردیسی. تهران: نیلوفر.
- چدویک، چالز. (۱۳۷۸). سمبولیسم. ترجمه: مهدی سبحانی، تهران: نشر مرکز.
- حسینی، صالح. (۱۳۷۵). گل‌های نیایش، چ ۷، تهران: نیلوفر.
- رئیس ساداتی، الهه. (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌شناسی نقاشی‌های سهراب سپهری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). در قلمرو وجدان (سیری در عقاید، ادیان و اساطیر). تهران: علمی.
- زهره‌وند، سعید؛ مسعودی، مرضیه. (۱۳۹۲). «نشانه‌های کیهانی در شعر و نقاشی سهراب سپهری». جستارهای نوین ادبی، دوره ۴۶، شماره ۱، ۱۵۸-۱۲۵.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۶). رمزاندیشی و هنر قدسی. تهران: مرکز.
- سپهری، سهراب. (۱۳۶۱). مقدمه کتاب آوار آفتاب، در یادمان سهراب سپهری. زیر نظر محمدرضالاھوتی، به کوشش ناصر بزرگمهر، تهران: دفتر نشر آثار هنری.
- (۱۳۶۹). هشت کتاب. چ ۲۲، تهران: طهوری.
- (۱۳۷۵). هنوز در سفرم: شعرها و یادداشت‌های منتشرنشده از سهراب سپهری. به کوشش پریدخت سپهری، چ ۲، تهران: نشر فرزاد روز.
- سپهری، سهراب. (۱۳۷۲). اطلاق آبی. به کوشش پروانه سپهری، چ ۷، تهران: انتشارات نگاه.
- (۱۳۷۷). «تامه او به صادق بریرانی». مجله سهراب، شماره ۲، ۲۲.
- شریفیان، مهدی. (۱۳۹۰). «نماد در اشعار سهراب سپهری». پژوهشنامه علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۴۶-۴۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
- (۱۳۸۳). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). نگاهی به سپهری. چاپ هشتم. تهران: انتشارات صدای معاصر.
- (۱۳۸۰). «جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران». مجله مدرس، دوره ۵، شماره ۳، ۳۳.
- شوالیه، ژان. (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها، اساطیر، روایا، رسوم و ... ترجمه: سودابه فضایی. تهران: علمی.
- صمدپور، تکتیم؛ بصیری، صادق. (۱۳۹۵). «مقایسه نمادپردازی طبیعت در اشعار سهراب سپهری و غاده السمان». کتابخانه تخصصی ادبیات آستان قدس رضوی.
- ضرایبها، محمدابراهیم. (۱۳۸۴). نگاه ناب: تغییری جامع، نمادین، عرفانی و ادبی از مجموعه اشعار هشت کتاب سپهری، جلد اول، تهران: جیحون.
- ظهیری، بیژن. (۱۳۹۱). «نمادشناسی حیوانات در شعر معاصر فارسی با تکیه بر آثار (نیما یوشیج، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، منوچهر آتشی و محمدرضا شفیعی کدکنی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران: سخن.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چندلایگی معنا». دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۲.

محیط. احمد. (۱۳۶۹). «خلاقیت هنری. آفرینش زیبایی». ماهنامه گردون. ش ۲، ۱.
معرف، محمدجعفر؛ میرزا ملااحمد. (۱۳۹۰). «نماد و خاستگاه آن در شعر نیما یوشیج». پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوه‌ر گویا)، دوره ۵، ۱۲-۱.

یوشیج، نیما. (۱۳۷۱). مجموعه اشعار. تهران: سخن.

----- (۱۳۶۸). درباره شعر و شاعری، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: دفترهای زمانه.

----- (۱۳۷۴). مجموعه کاملاً اشعار فارسی و طبری، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: نگاه.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۲) انسان و سمبول‌هایش. ترجمه: ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.

----- (۱۳۷۷). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه: محمود سلطانیه. تهران: انتشارت جامی.